

عنوان: فراق یار : نگاهی به رحلت امام خمینی (ره)

نشریه: اعتماد: 85/3/11

### نگاهی به رحلت امام خمینی (ره) "فراق یار"

امام خمینی هدف‌ها و آرمان‌ها و هر آنچه را که می‌بایست ابلاغ کند، گفته بود و در عمل نیز تمام هستیش را برای تحقق همان هدف‌ها به کار گرفته بود. اینک در آستانه نیمه خرداد سال 1368 خود را آماده ملاقات عزیزی می‌کرد که تمام عمرش را برای جلب رضای او صرف کرده بود و قامتش جز در برابر او، در مقابل هیچ قدرتی خم نشده، و چشمانش جز برای او گریه نکرده بود. سروده های عارفانه اش همه حاکی از درد فراق و بیان عطش لحظه وصال محبوب بود. و اینک این لحظه شکوهمند برای او، جانکاه و تحمل ناپذیر برای پیروانش، فرا می‌رسید. او خود در وصیتنامه اش نوشته است: با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخا و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم و از خدای رحمن و رحیم می‌خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد و از ملت امیدوارم که عذرم را در کوتاهی ها و قصور و تقصیرها بپذیرند و با قدرت و تصمیم و اراده به پیش بروند.

شگفت آنکه امام خمینی در یکی از غزلیاتش که چند سال قبل از رحلت سروده است:

انتظار فرج از نیمه خرداد کشم

سال‌ها می‌گذرد حادثه‌ها می‌آید

ساعت 20:22 بعد از ظهر روز شنبه سیزدهم خردادماه سال 1368 لحظه وصال بود. قلبی از کار ایستاد که میلیون‌ها قلب را به نور خدا و معنویت احیا کرده بود. به وسیله دوربین مخفی‌بی که توسط دوستان امام در بیمارستان نصب شده بود روزهای بیماری و جریان عمل و لحظه لقای حق ضبط شده است. وقتی که گوشه‌هایی از حالات معنوی و آرامش امام در این ایام از تلویزیون پخش شد غوغایی در دل‌ها بر افکند که وصف آن جز با بودن در آن فضا ممکن نیست. لب‌ها دایما به ذکر خدا در حرکت بود.

در آخرین شب زندگی و در حالی که چند عمل جراحی سخت و طولانی در سن 87 سالگی تحمل کرده بود و در حالی که چندین سرم به دست‌های مبارکش وصل بود نافله شب می‌خواند و قرآن

تلاوت می‌کرد. در ساعات آخر، طمانینه و آرامشی ملکوتی داشت و مرتباً شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اکرم (ص) را زمزمه می‌کرد و با چنین حالتی بود که روحش به ملکوت اعلی پرواز کرد. وقتی که خبر رحلت امام منتشر شد، گویی زلزله‌یی عظیم رخ داده است، بغض‌ها ترکید و سرتاسر ایران و همه کانونهایی که در جهان با نام و پیام امام خمینی آشنا بودند یکپارچه گریستند و بر سر و سینه زدند. هیچ قلم و بیانی قادر نیست ابعاد حادثه را و امواج احساسات غیر قابل کنترل مردم را در آن روزها توصیف کند.

مردم ایران و مسلمانان انقلابی، حق داشتند این چنین ضجه کنند و صحنه‌هایی پدید آورند که در تاریخ نمونه‌یی بدین حجم و عظمت برای آن سراغ نداریم. آنان کسی را از دست داده بودند که عزت پایمال شده شان را باز گردانده بود، دست شاهان ستمگر و دست‌های غارتگران امریکایی و غربی را از سرزمینشان کوتاه کرده بود، اسلام را احیا کرده بود، مسلمین را عزت بخشیده بود، جمهوری اسلامی را بر پا کرده بود، رو در روی همه قدرت‌های جهنمی و شیطانی دنیا ایستاده بود و ده سال در برابر صدها توطئه براندازی و طرح کودتا و آشوب و فتنه داخلی و خارجی مقاومت کرده بود و 8 سال دفاعی را فرماندهی کرده بود که در جبهه مقابلش دشمنی قرار داشت که آشکارا از سوی هر دو قدرت بزرگ شرق و غرب حمایت همه جانبه می‌شد. مردم، رهبر محبوب و مرجع دینی خود و منادی اسلام راستین را از دست داده بودند.

شاید کسانی که قادر به درک و هضم این مفاهیم نیستند، اگر حالات مردم را در فیلم‌های مراسم تودیع و تشییع و خاکسپاری پیکر مطهر امام خمینی مشاهده کنند و خبر مرگ دهها تن که در مقابل سنگینی این حادثه تاب تحمل نیاورده و قلبشان از کار ایستاده بود را بشنوند و پیکرهایی که یکی پس از دیگری از شدت تأثر بیهوش شده، بر روی دست‌ها در امواج جمعیت به سوی درمانگاه‌ها روانه می‌شدند را در فیلم‌ها و عکس‌ها ببینند، در تفسیر این واقعیت‌ها درمانده شوند.

اما آنانکه عشق را می‌شناسند و تجربه کرده‌اند، مشکلی نخواهند داشت. حقیقتاً مردم ایران عاشق امام خمینی بودند و چه شعار زیبا و گویایی در سالگرد رحلتش انتخاب کرده بودند که: عشق به خمینی عشق به همه خوبیهاست.

روز چهاردهم خرداد 1368، مجلس خبرگان رهبری تشکیل شد و پس از قرائت وصیتنامه امام خمینی توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌یی که دو ساعت و نیم طول کشید، بحث و تبادل نظر برای تعیین جانشینی امام خمینی و رهبر انقلاب اسلامی آغاز شد و پس از چندین ساعت سرانجام حضرت آیت‌الله خامنه‌یی (رییس جمهور وقت) که خود از شاگردان امام خمینی سلام الله علیه و از چهره‌های درخشان انقلاب اسلامی و از یاوران قیام 15 خرداد بود و در تمام دوران نهضت امام در همه فراز و نشیبها در جمع دیگر یاوران انقلاب جانبازی کرده بود، به اتفاق آرا برای این

رسالت خطیر برگزیده شد. سال‌ها بود که غربی‌ها و عوامل تحت حمایت‌شان در داخل کشور که از شکست دادن امام مایوس شده بودند وعده زمان مرگ امام را می‌دادند.

اما هوشمندی ملت ایران و انتخاب سریع و شایسته خبرگان و حمایت فرزندان و پیروان امام همه امیدهای ضد انقلاب را بر باد دادند و نه تنها رحلت امام پایان راه او نبود بلکه در واقع عصر امام خمینی در پهنه‌ی وسیعتر از گذشته آغاز شده بود. مگر اندیشه و خوبی و معنویت و حقیقت می‌میرد؟ روز و شب پانزدهم خرداد 68 میلیون‌ها نفر از مردم تهران و سوگوارانی که از شهرها و روستاها آمده بودند، در محل مصلاهی بزرگ تهران اجتماع کردند تا برای آخرین بار با پیکر مطهر مردی که با قیامش قامت خمیده ارزشها و کرامت‌ها را در عصر سیاه ستم استوار کرده و در دنیا نهضتی از خدا خواهی و بازگشت به فطرت انسانی آغاز کرده بود، وداع کنند.

هیچ اوری از تشریفات بی‌روح مرسوم در مراسم رسمی نبود. همه چیز، بسیجی و مردمی و عاشقانه بود. پیکر پاک و سبزپوش امام بر بالای بلندی و در حلقه میلیون‌ها نفر از جمعیت ماتم زده چون نگینی می‌درخشید. هرکس به زبان خویش با امامش زمزمه می‌کرد و اشک می‌ریخت. سرتاسر اتوبان و راه‌های منتهی به مصلی مملو از جمعیت سیاهپوش بود.

پرچم‌های عزا بر در و دیوار شهر آویخته و آوای قرآن از تمام مساجد و مراکز و ادارات و منازل به گوش می‌رسید. شب که فرا رسید هزاران شمع به‌یاد مشعلی که امام افروخته است، در بیابان مصلی و تپه‌های اطراف آن روشن شد. خانواده‌های داغدار گرداگرد شمع‌ها نشستند و چشمانشان بر بلندای نورانی دوخته شده بود.

فریاد یا حسین بسیجیان که احساس یتیمی می‌کردند و بر سر و سینه می‌زدند فضا را عاشورایی کرده بود. باور اینکه دیگر صدای دلنشین امام خمینی را در حسینیه جماران نخواهند شنید، طاقتها را برده بود. مردم شب را در کنار پیکر امام به صبح رسانیدند. در نخستین ساعت بامداد شانزدهم خرداد، میلیون‌ها تن به امامت آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) با چشمانی اشکبار برپیکر امام نماز گزارند.

انبوهی جمعیت و شکوه حماسه حضور مردم در روز ورود امام خمینی به کشور در 12 بهمن 1357 و تکرار گسترده‌تر این حماسه در مراسم تشییع پیکر امام، از شگفتی‌های تاریخ است.

خبرگزاری‌های رسمی جهانی جمعیت استقبال‌کننده را در سال 1357 تا 6 میلیون نفر و جمعیت حاضر در مراسم تشییع را تا 9 میلیون نفر تخمین زدند و این در حالی بود که طی دوران 11 ساله حکومت امام خمینی به واسطه اتحاد کشورهای غربی و شرقی در دشمنی با انقلاب و تحمیل جنگ 8 ساله و صدها توطئه دیگر آنان، مردم ایران سختیها و مشکلات فراوانی را تحمل کرده و عزیزان بی‌شماری را در این راه از دست داده بودند و طبعاً می‌بایست بتدریج خسته و دلسرد شده

باشند اما هرگز این چنین نشد. نسل پرورش یافته در مکتب الهی امام خمینی به این فرموده امام ایمان کامل داشت که: در جهان حجم تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و محرومیت‌ها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است پس از آنکه مراسم تدفین به علت شدت احساسات عزاداران امکان ادامه نیافت، طی اطلاعیه‌های مکرر از رادیو اعلام شد که مردم به خانه هایشان بازگردند، مراسم به بعد موکول شده و زمان آن بعد اعلام شد. برای مسوولین تردیدی نب

ود که هر چه زمان بگذرد صدها هزار تن از علاقه مندان دیگر امام که از شهرهای دور راهی تهران شده‌اند نیز بر جمعیت تشییع کننده افزوده خواهد شد ، ناگزیر در بعدازظهر همان روز مراسم تدفین با همان احساسات و به دشواری انجام شد که گوشه‌هایی از این مراسم به وسیله خبرنگاران به جهان مخابره شد و بدین سان رحلت امام خمینی نیز همچون حیاتش منشا بیداری و نهضتی دوباره شد و راه و یادش جاودانه شد چراکه او حقیقت بود و حقیقت همیشه زنده است و فناپذیر.